روزنه

علی یونسی:

اطلاعاتی‌ها وارد مسائل سیاسی و اقتصادی نشوند

• علی یونسی، دومین وزیر اطلاعات دوره اصلاحات و دستیار ویژه رئیس‌جمهور فعلی در امور اقلیت‌ها در گفت‌وگوی تفصیلی با ایسنا به نکات متفاوتی اشاره کرد که برخی از آنها را در ادامه می‌خوانید.

• توصیه من به سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی این است که برای امنیت چند کار مهم را انجام دهند؛ نخست اینکه در داخل کشور برای ریشه‌یابی حادثه [اشاره به حوادث تروریستی]، از مقابل مردم قرارگرفتن به‌شدت پرهیز کنند. سازمان‌های اطلاعاتی باید مردمی‌ترین سازمان‌ها باشند. در هنگام بروز چنین حوادث و رویدادهایی، طوری عمل کنند که به مردم سخت گرفته نشود بلکه مردم به دلیل وجود نهادهای امنیتی مقتدر، احساس امنیت بیشتری کنند و نگران نشوند... همچنین این سازمان‌ها باید به‌شدت از انجام اقدامات غیرمرتبط با وظایف خود پرهیز کنند؛ یعنی اینکه گروه‌های اطلاعاتی به کارها و اقدامات حاشیه‌ای و غیراطلاعاتی سرگرم نشوند، به مسائل جناحی و اقتصادی و سیاسی ورود نکنند. این‌گونه امور قطعا برای سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی سم مهلک است. مخصوصا حفاظت اطلاعات نیروهای مسلح، باید فقط در محدوده مأموریت‌های سازمانی خودشان کار کنند که موفقیت و تقویت این نهادها در گرو عمل به وظایف سازمانی آنان است.

• استاندار سابق سیستان‌وبلوچستان آقای علی اوسط‌هاشمی، به نظرم در این زمینه خیلی خوب کار کرد و تا حدود قابل‌قبولی توانست انتظارات استان را برآورده کند. کناررفتن ایشان هم به‌هیچ‌وجه به صلاح استان نبود. ما نباید اشتباهات این‌چنینی مرتکب شویم، دولت باید در مقابل اقداماتی از این‌دست مقاومت کند و اگر می‌بیند که استاندارد خوب عمل می‌کند، از او دفاع کرده و او را در آن استان نگه دارد.

• در برخی از مناطق مثل آذربایجان‌غربی باید کسی را انتخاب کنیم که نه ترک باشد و نه کُرد. اما باید در کردستان فردی انتخاب شود که کُرد باشد؛ حتی بهتر است که آن فرد از اهل تسنن باشد، به زبان کردی مسلط باشد و بتواند با مردم به زبان خودشان صحبت کند. در مناطق قومی گاهی یک استان خیلی مشکل دارد و زمان می‌برد که مشکلاتش حل شود. اما در کردستان تأثیر مسئله انتصابات و قرارگرفتن استاندار خوبی که بتواند رابطه عاطفی و مهربانانه‌ای با مردم برقرار و عاقلانه رفتار کند، بسیار مفید است.

• گاهی اوقات می‌بینیم برای یک‌سری از استان‌ها تصمیماتی گرفته می‌شود که هیچ ضرورتی نداشته انجام شود. چرا ما باید مردم یک منطقه را نگران و ناخواسته تحریک کنیم؟ مثلا در اجرای یک حکم کاری کنیم که ضرورتی و نتیجه مثبتی نداشته است؟ چه ضرورتی دارد که یک پروژه را فلان شخص یا نهاد در آن استان‌ها انجام دهد؟ نحوه انجام یک کار سبب می‌شود که مردم یک استان نگران و تحریک شوند. اقدامات نظامی و قضائی ما باید با توجه به نتیجه‌اش انجام شود نه نفس آن عمل. هیچ عملی در حوزه امنیتی مقدس نیست؛ تأکید می‌کنم هیچ عملی. هیچ عمل حکومتی‌ای مخصوصا قضائی و امنیتی ذاتا مقدس نیست؛ مگر با عنایت به نتیجه‌اش. یعنی اگر احساس کردیم که انجام فلان کار که به‌ظاهر واجب است، نتیجه‌ای عکس می‌دهد، هیچ ضرورتی ندارد که به‌فوریت انجام شود. هر عمل حکومتی از قبیل مجازات، عفو، آزادی، تأیید، رد، انجام‌دادن یا انجام‌ندادن یک پروژه و کلا هر کار حکومتی در مناطق قومی، مخصوصا باید با توجه به نتیجه‌اش انجام شود، اگر نتیجه‌بخش و مثبت بود، انجام وگرنه متوقف شود.

• اگر چنانچه در شورای عالی امنیت ملی بررسی شود که نتایج این‌گونه موارد به‌خصوص در زمینه عزل و نصب‌ها، چه تأثیری بر امنیت استان، جذب مردم، در منطقه دارد، آن‌وقت می‌توان کاری را انجام داد. اما به نظرم در خیلی از موارد این اتفاق رخ نداده است و در برخی از موارد حتی تردید وجود داشته است.

• [در پاسخ به نقش نفوذ در ماجرای حمله به سفارت عربستان در ایران] من بارها گفته‌ام و تأکید می‌کنم که همه گروه‌های افراطی و خشونت‌طلب و تروریست، چه مذهبی، چه قومی، چه دینی و چه سیاسی، از هر کشور و ملت، چه در ایران، چه عربستان و چه عراق و هر کشور دیگر، در همه این گروه‌ها برای سرویس‌های جاسوسی و اطلاعاتی امکان مدیریت و نفوذ وجود دارد. یعنی دولت‌های رقیب و حریف، در منطقه و خارج از منطقه، برای اعمال نظر و سیاست‌های موردنظر خود، در این گروه‌ها نفوذ می‌کنند و مدیریت آنان را بر عهده می‌گیرند و از آنها به‌عنوان ابزاری برای اعمال فشارهای موردنظر استفاده می‌کنند. ممکن است حتی اکثریت اعضای گروه‌های افراطی هم متوجه نباشند ولی غیرمستقیم در خدمت آن شبکه‌های جاسوسی قرار می‌گیرند.

• این مهم، در کشور سوریه به متلاشی‌شدن یک دولت مستقر و تخریب یک کشور، منتهی شد. چون تمام گروه‌های افراطی از هرجا و عناصر افراطی از همه دنیا در آنجا جمع شدند. سرویس‌های جاسوسی مثل اسرائیل و پول عربستان در سوریه بیشتر این نقش داشت. این تهدید، برای همه کشورهای منطقه و برای ما هم هست. ممکن است به نام دفاع از یک قوم یا یک مذهب، دین یا یک جریان سیاسی نمودار شود.

politics@sharghdaily.ir

یک‌سال و نیم بعد از انتخابات

درخواست روحانی برای دیدار با اصلاح‌طلبان

حسن روحانی اصلاح‌طلبان را به حضور طلبید. امروز ساعت چهار بعدازظهر، ۱۰ نفر از اصلاح‌طلبان از فراکسیون امید، شورای هماهنگی جبهه اصلاحات و شورای عالی اصلاح‌طلبان به درخواست رئیس جمهوری به ساختمان پاستور می‌روند. این قرار با پیگیری اسحاق جهانگیری انجام شده و روز دوشنبه به عارف اطلاع داده شده که حسن روحانی قصد دارد تعدادی از اصلاح‌طلبان را ببیند. درباره محتوای این دیدار و البته دستور جلسه، گویا اطلاعی داده نشده است. آخرین دیدار اصلاح‌طلبانه حسن روحانی به تیر ۱۳۹۶ بازمی‌گردد؛ دیداری که بین کمیته تعامل شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان و محمدرضا عارف با رئیس‌جمهوری برگزار شد. بعد از آن، اصلاح‌طلبان بدشان نمی‌آمد در جریان بستن ترکیب کابینه نیز حسن روحانی از آنها مشورت بگیرد و با هم دیدار داشته باشند، اما میسر نشد و در نهایت فهرستی را به اسحاق جهانگیری دادند تا به نمایندگی از اصلاح‌طلبان به روحانی ارائه بدهد. بعد از آنکه دولت شکل گرفت، اصلاح‌طلبان از اینکه روحانی دیگر کاری به کار آنها نداشت، از او انتقاد کردند. در همین احوال، کمیته رفع حصر فراکسیون امید و فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی نیز درخواست دیدار با روحانی را داشتند که تابه‌حال محقق نشده است. حالا در حالی که یک سال از عمر دولت گذشته است و خیلی از اصلاح‌طلبان زبان به نقد دولت روحانی باز کرده‌اند، رئیس‌جمهور که پایگاه رأی خود را مدیون جریان اصلاح‌طلبی است، بار دیگر به آنها روی آورده است.

در این جمع ۱۰نفره، محمدرضا عارف، داوود محمدی، نماینده قزوین، جواد فتحی، از فراکسیون امید و حسین مرعشی، عبدالواحد موسوی‌لاری، ژاله فرامرزیان، زهرا صدراعظم‌نوری و عباس عبدی از چهره‌هایی هستند که امروز قرار است در دیدار با روحانی حضور داشته باشند.

تابه‌حال دلیل محقق‌نشدن هرگونه مواجهه روحانی با آنها را که درخواست دیدار از او را داشتند، به محمود واعظی، رئیس‌دفتر او، نسبت می‌دادند. واعظی اما این نسبت‌ها را رد می‌کند. بااین‌حال دیدار مزبور را اسحاق جهانگیری، معاون‌اول روحانی، تدارک دیده و محمود واعظی نیز وقت آن را تعیین کرده است. باید دید در جریان این دیدار، روحانی چه مطالبی را مطرح خواهد کرد و اصلاح‌طلبان چه برخوردی با روحانی خواهند داشت؛ آن‌هم بعد از یک سال و اندی.

واکنش دیرهنگام اصولگرایان به نقد حجاریان بر نظارت استصوابی

عکس: ایلنا

شرق: واکنشی دیرهنگام به سعید حجاریان؛ یک حقوق‌دان اصولگرا بعد از سه سال به نقد سعید حجاریان بر نظارت استصوابی که در شهریور ۹۴ (شماره ۴۳) نشریه پایتخت کن منتشر شده بود، واکنش نشان داد. این نقد را خبرگزاری فارس منتشر کرده و در دیگر سایت‌های اصولگرا هم بازنشر شده است. بهانه پرداختن علی بهادری‌جهرمی که فارس او را حقوق‌دان و استاد دانشگاه معرفی کرده به نوشته سه سال پیش حجاریان این است که به ادعای او اخیرا این نقد در فضای مجازی بازنشر شده است. بهادری‌جهرمی با طرح این پرسش که نویسنده چه تخصصی در علم حقوق داشته که از منظر حقوقی به این موضوع بپرازد؟ نوشته است: «به نظر می‌رسد نویسنده محترم اشراف کافی به منابع و همچنین مبانی حقوقی نداشته‌اند؛ چراکه علی‌رغم سکوت قانون اساسی درباره مرجع درخواست تفسیر قانون اساسی، وضعیت قانونی مرجع استفسار اصلا مبهم نبوده و نظام حقوقی در این زمینه کاملا روشن بوده و آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان آن را مشخص کرده است. ریشه این موضوع نیز در آن است که اساسا جایگاه قانون اساسی پرداختن به همه موضوعات جزئی نیست». او در یادداشت خود با اشاره به اینکه در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، جز درباره احراز صلاحیت کاندیداهای تصدی پست ریاست‌جمهوری که مطابق نص اصل ۱۱۰ قانون اساسی به شورای نگهبان واگذار شده است، شورای نگهبان مرجع احراز صلاحیت درباره هیچ جایگاه انتخاباتی‌ای نبوده بلکه هیئت‌های اجرائی مستقر در وزارت کشور متولی این امر است، آورده است: «با توجه به عدم اشراف نگارنده محترم به منابع حقوقی که در سرتاسر متن به‌وضوح به چشم می‌خورد، توجه ایشان را به قوانین انتخابات مجلس شورای اسلامی و ریاست‌جمهوری و قوانین نظارت بر این دو انتخابات جلب می‌نمایم. شورای نگهبان در حقیقت در فرایند نظارت بر انتخابات، مشابه بسیاری از نهادهای شبه‌قضائی که در نظام حقوقی کشور ما و تمامی کشورهای جهان طراحی شده‌اند، صلاحیتی شبه‌قضائی داشته و نسبت به صحت و سقم احراز صلاحیت‌های صورت‌گرفته از سوی هیئت‌های اجرائی مستقر در وزارت کشور، تصمیم‌گیری می‌نمایند. این تصمیم‌گیری نیز دو مرحله‌ای بوده و در مرحله اول هیئت‌های نظارت و در مرحله نهایی شورای نگهبان مرجع تصمیم‌گیری نهایی درخصوص صحت عملکرد دستگاه اجرائی در تطبیق شرایط قانونی کاندیداها با قانون است. بدیهی است که ادعای لزوم طراحی نهاد ناظر مجددی بر نهادی که خود در حال ایفای نقش نظارتی است، مصداقی از دور باطلی خواهد بود که تا ابد ادامه خواهد داشت و ممکن است مجددا نهاد نظارتی جدیدی برای نظارت بر حسن عملکرد آن نهاد نهایی مطالبه شود!» او در ادامه آورده است: «در قانون اساسی لفظ نظارت در چندین موضع آمده است. مثلا نظارت خبرگان بر رهبری یا نظارت نمایندگان سه قوه بر صداوسیما، اما شورای نگهبان هیچ‌گاه آن نظارت‌ها را استصوابی تلقی نکرده است؛ برخلاف ادعای نویسنده، در بسیاری از مواردی که لفظ نظارت یا حتی مفهوم آن در قانون اساسی ذکر شده، شورای نگهبان در مقام تفسیر اجرائی یا قانونی آن را نیز به معنای نظارت استصوابی دانسته که نظارت مجلس شورای اسلامی بر وزرا، نظارت رئیس‌جمهور بر وزرا، نظارت رئیس مجلس بر مصوبات هیئت وزیران، نظارت دیوان عدالت بر مقررات دولتی و بسیاری دیگر از این جمله‌اند». این حقوق‌دان در بخش دیگری از نوشته خود آورده است: «اگر حافظه نگارنده محترم یادداشت، به دلیل کبر سن یارای یادآوری موارد متعدد نظارت استصوابی در کل دوران حیات امام از ابتدای شکل‌گیری جمهوری اسلامی تا زمان رحلت ایشان نیست یا علاقه به ذکر آنها نداشته‌اند، توجه ایشان را صرفا از باب نمونه به احراز صلاحیت داوطلبان تصدی پست ریاست‌جمهوری در اولین دوره برگزاری انتخابات در سال ۱۳۵۹ با کسب اجازه از امام از سوی کمیته نظارت بر تبلیغات انتخابات به ریاست موسوی‌خوئینی‌ها با همکاری وزارت کشور به سرپرستی هاشمی‌رفسنجانی جلب می‌نمایم. در این دوره در نهایت از ۱۲۴ کاندیدای ریاست‌جمهوری حدود ۱۰ نفر موفق به احراز صلاحیت از سوی این کمیته شدند. درخصوص اینکه امام نیز شورای نگهبان را در انتخابات دوره سوم مجلس شورای اسلامی عتاب کرد یا کسانی که به صلاحیت قانونی این شورا تمکین ننمودند نیز صحیفه نورانی ایشان در این تاریخ موجود بوده و تاریخ به روشنی گواه آن موضوع است. جالب است چنین قلب تاریخی با چنین صراحت! جالب آنکه در آن دوره از انتخابات نیز که جناب‌عالی به آن اشاره کرده‌اید گزارش‌های نظارتی متعددی مبنی بر وقوع تخلفات از سوی هیئت‌های اجرائی زیرمجموعه دولت میرحسین موسوی مشابه آنچه در مجلس ششم و در دولت اصلاحات روی داد، وجود داشت و بازشماری تعدادی از صندوق‌های اخذ رأی نیز مؤید گزارش نهاد ناظر امین مردم بود و در آن دوره‌ها نیز از پیش مباحثی پیرامون نقد نظارت استصوابی و لزوم حذف آن شاید به‌منظور آزادبودن دست مجریان و سایر بازیگران عرصه انتخابات مستمرا در رسانه‌ها مطرح می‌شد!».

حجاریان چه گفته بود؟

سعید حجاریان در یادداشت سه سال پیش خود با عنوان «تیغ استصواب را نبود حیا» نوشته بود که می‌خواهد به دور از بحث‌های جدلی از برخی جنبه‌های حقوقی به مسئله نظارت استصوابی بپردازد. او در ابتدا هم یادآور شده بود که عنوان یادداشت برگرفته از سخن مولانا درباره تیغ استصواب است که بی‌ملاحظه برنده است. در نوشته حجاریان آمده بود: «۱- حق تفسیر، حق استفسار؛ قانون اساسی حق تفسیر این قانون را بر عهده شورای نگهبان گذاشته اما درباره حق استفسار ساکت است. حق استفسار چیست؟ استفسار به معنای طلب تفسیرکردن است یا به‌قول «ترمینولوژی حقوق»، حق ابتکار و شروع به انجام کاری حقوقی (initiation) است. مثلا قانون اساسی حق ابتکار اصلاح قانون اساسی را به رهبری داده است. مطابق اصل ۱۷۷ قانون اساسی، بازنگری در قانون اساسی کشور به این صورت است که مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام طی حکمی خطاب به رئیس‌جمهور موارد اصلاح قانون اساسی را به شورای بازنگری قانون اساسی پیشنهاد می‌دهد. اما چنان‌که گفته شد درخصوص شروع به تفسیر قانون اساسی، این قانون ساکت است. یعنی مشخص نیست چه کسی حق دارد از شورای نگهبان استفسار کند. اکنون گاهی اوقات مجلس شورای اسلامی دست به چنین اقدامی می‌زند؛ شاید در مواقعی رئیس‌جمهور این کار را انجام دهد، شاید هم قوه قضائیه عهده‌دار آن باشد. اصل ۹۹ قانون اساسی زمانی تفسیر و نظارت بر انتخابات استصوابی اعلام شد که یکی از اعضای شورای نگهبان (مرحوم رضوانی) از سایرین سؤال کرد و آنها هم تفسیر کردند که این نظارت استصوابی و شامل همه مراحل انتخابات خواهد بود. درحالی‌که در آن زمان قانونی برای استفسار نوشته نشده بود و همچنان هم نوشته نشده است. لذا به نظر من ابتدا باید این عمل توسط مجلس به حالت قانونی دربیاید و بعد از آن است که مشخص می‌شود چه کسانی حق استفسار را دارند. منظور این است که قانونی درحال‌حاضر وجود ندارد که بگوید قاضی حق استفسار دارد یا رئیس‌جمهور یا رئیس مجلس. یعنی چه کسانی می‌توانند و چه کسانی نمی‌توانند استفسار کنند.

۲- مرز بین تفسیر و اصلاح قانون اساسی بسیار باریک است و گاه احساس می‌شود شورای نگهبان در مقام «تفسیر» (interpretation) به «اصلاح» (amendment) قانون اساسی پرداخته است؛ مثلا در همان ماجرای تفسیر اصل ۹۹ به نظر می‌رسد که چون قرائنی برای تقیید نظارت در خود قانون اساسی وجود ندارد، شورای نگهبان با مقیدکردن نظارت دست به اصلاح زده است. درحالی‌که این وظیفه خبرگانی است که وظیفه ترمیم قانون اساسی را بر عهده دارند.

۳- شورای نگهبان طبق قانون اساسی بخشی از قوه مقننه است، ولی دو فعل دیگر خارج از این چارچوب را هم انجام می‌دهد؛ اول آنکه با ردصلاحیت افراد، آنان نمی‌توانند به قوه قضائیه شکایت کنند و مرجع نهایی برای شکایت آنها خود شورای نگهبان است، لذا این شورا در مقام قضاوت هم قرار می‌گیرد (و این‌گونه نقش قوه قضائیه را ایفا می‌کند!). به‌خصوص در انتخابات خبرگان که اعضای شورای نگهبان خود کاندیدا هستند و می‌توانند رقبایشان را ردصلاحیت کنند و خودشان در مقام قاضی داوری کنند. کار دیگر شورای نگهبان گسترش دستگاه نظارتی است که با این کار عملا قوه مجریه یعنی وزارت کشور را به زائده خود تبدیل کرده است و به قول رئیس‌جمهور به جای اینکه چشم باشد، دست شده است؛ بنابراین می‌بینیم که عملا این شورا کار تقنینی، قضائی و اجرائی را توأمان انجام می‌دهد که این موضوع با اصل تفکیک قوا منافات تام دارد.

۴- بحث نظارت استصوابی معمولا به وصایت یا وقف ارجاع داده می‌شود که در آن یک نفر متولی و یک نفر ناظر است. در این زمینه بحث‌های فقهی دامنه‌داری وجود دارد که اگر واقف نوع نظارت را تعیین نکرده باشد، این نظارت از چه نوع است؟ فتوای امام آن است که در وقف، نظارت استصوابی است اما در وصیت، اطلاعی است. ولی آقای خویی و برخی دیگر از فقها بر این اعتقادند که اگر قرینه‌ای وجود نداشته باشد، این نظارت در هر دو حال فقط اطلاعی است. بین حقوق‌دانان دکتر کاتوزیان معتقد است که ناظر اگر اطلاعی باشد شبیه به بازرس در امور شرکت‌هاست، اما اگر استصوابی باشد شبیه عضو هیئت‌مدیره است که عملا در کار اجرائی مداخله دارد.

۵- در قانون اساسی لفظ نظارت در چندین موضع آمده است؛ مثلا نظارت خبرگان بر رهبری یا نظارت نمایندگان سه قوه بر صداوسیما اما شورای نگهبان هیچ‌گاه آن نظارت‌ها را استصوابی تلقی نکرده است؛ این دوگانگی در تفسیر جای سؤال دارد!

۶- در زمان امام نظارت استصوابی وجود نداشت. در انتخابات مجلس سوم، شورای نگهبان تلاش کرد عده‌ای را به‌عنوان عدم احراز صلاحیت رد کند که امام، آقای محمدعلی انصاری را به‌عنوان نگهبانی بر فراز شورای نگهبان منصوب کرد و مانع این کار شد و در نهایت شورای نگهبان با عتاب امام روبه‌رو شد، چون اساسا دیدگاه فقهای شورای نگهبان این بود که نماینده‌شدن حق نیست، بلکه فضلی است که از جانب دولت به بعضی عطا می‌شود و اگر از کسی دریغ شد، وی حق اعتراض ندارد. این در حالی است که می‌دانیم کاندیداشدن حق آحاد ملت است و این مردم هستند که باید تشخیص دهند چه کسی صلاحیت دارد و چه کسی ندارد. تا پس از تشخیص، تصمیم بگیرند به چه کسی رأی بدهند و به چه کسی رأی ندهند. حال با توجه به این آرای متضاد، پرسش این است آیا این حق را می‌توان برای مردم قائل بود؟».

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir

پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

• گرانی خانواده‌ها را مستأصل کرده است: مسئولان گرامی! باور کنید حقوق‌های دریافتی پاسخ‌گوی گرانی‌ها نیست. قدرت خرید مردم به‌شدت کاهش یافته و این وضع نارضایتی حقوق‌بگیران کم‌درآمد را به همراه دارد. لطفا این پیام را چاپ کنید تا مسئولان بالادستی بیشتر از مشکلات و کاهش قدرت خرید مردم مطلع شوند.

عرفان از تهران

• قیمت رب گوجه طلایی شد! رب گوجه نایاب و این روزها قیمتش مانند طلا گران شده است. آیا رب گوجه هم از کشورهای بیگانه وارد می‌شود که این‌قدر گران است؟

حداد

• روزبه‌روز بهتر از دیروز! دوران جنگ تحمیلی قیمت مایحتاج عمومی در این حد گران نبود. چرا مسئولان برای کاهش قیمت‌ها چاره‌ای اساسی نمی‌اندیشند. تیم اقتصادی رئیس‌جمهوری چه کار می‌کنند؟ باید گفت روزبه‌روز بهتر از دیروز!

فرخی‌پور

• تأثیر بی‌پولی و گرانی: مسئولان باید بیش از پیش به فکر کاهش قیمت‌ها باشند. گرانی‌ها باعث شده مردم برای رفع اثرات آن به مطبوعات متوسل شوند. چرا هیچ اقدام درخورتوجهی برای معضل گرانی نمی‌شود؟

عرفان

• چرا تخریب اموال عمومی؟ چرا عده‌ای فرصت‌طلب اموال عمومی را تخریب می‌کنند و با این کارشان میان مردم رعب و وحشت ایجاد می‌کنند؟

یک مخاطب

• گرانی بلیت هواپیما: بلیت هواپیما به مشهد مقدس ۵۰۰ هزار تومان شده است! این است مبارزه با گرانی؟

از زائران امام رضا(ع)

• چند روز گذشته به نقل از آقای رضا رشیدپور، مجری برنامه حالاخورشید در شبکه ۳ سیما اطلاع پیدا کردم حداقل چهار نفر از نمایندگان کنونی مجلس از وزارت نفت حقوق بالاتر از ۲۰ میلیون تومان در ماه دریافت می‌کنند؛ حالا اینکه به چه دلیل، خودش داستانی است.